

امتناع تفاهم و گفتوگو

عباس عبدي

این روزها برخی تغییر مواضع در اصولگرایان دیده میشود که ذهنیت عمومی را نسبت به امکان نزدیک شدن دیدگاهها به یکدیگر و کاهش تنشهای سیاسی در جامعه کم میکنند. از سوی دیگر فضای عمومی به گونه‌ای است که کسی حرف دیگری را نمیشنود، بلکه ابتدا مواضعی را نسبت به هم منتسب میکنند، سپس آن مواضع مجعول را نقد و رد یا تخطئه میکنند. نمونه این ادعا را در تغییر مواضع اصولگرایان حاکم در موضوع واکسیناسیون و از آن مهم‌تر در برجام و به‌طور مشخص توافق با آژانس اتمی میتوان دید. این تفاوت نگاه در مساله واکسیناسیون بسیار آشکار است. کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم مخالف واردات واکسن بودند، اکنون یکی از افتخارات خود را صعودی شدن میزان واکسن وارداتی میدانند. البته که این اقدام خیلی خوب است ولی تفاوت مسوولان جدید با دیگران یا قبلیها در چیست؟ در کارآمدی برای واردات بیشتر؟ اگر چنین است چرا همان زمان بر افزایش واردات واکسن تاکید نمی‌کردند؟ مگر چه ایرادی داشت که این موضع منطقی را بگیرند؟ سهل است که به‌طور نسبی مخالف واردات بودند و حتی از وزیر متهم به کم‌کاری در واردات نیز دفاع می‌کردند.

در واقع تنها وزیری که در کابینه روحانی مورد حمایت آنان بود، وزیر بهداشت و درمان است. البته این نوع دوگانگی‌های رفتاری در سیاست و رقابتهای سیاسی در همه جا معمول است ولی نه تا این حدی که در ایران می‌بینیم. به ویژه در مسائل مهم مثل برجام و واکسن که با جان و زندگی مردم در ارتباط است نباید تا این حد غیرمسوولانه رفتار کرد. این امر موجب میشود که نسبت به همه مواضع اعم از درست یا غلط، بدبینی ایجاد شود و شکل‌گیری سیاست‌ورزی مفید را غیرممکن میکند.

این تفاوت در موضوع برجام برجسته‌تر بود. همین چند مدت پیش بود که توافق دولت قبلی را با آژانس محکوم می‌کردند و آن را خلاف قانون مجلس میدانستند و اکنون همان را تایید میکنند. ظاهراً این نیروها برای طرفداران خود نیز احترام چندانی قائل نیستند و الا چگونه ممکن است که تا این حد از بی‌ثباتی را توجیه کرد. البته ما از مواضع اخیر حمایت می‌کنیم و کاری هم نداریم که در گذشته چه کسی چه موضعی گرفته است. این سیاستها به نفع مردم و جامعه است باید

از آن حمایت کرد در حالی که این رفتارها نوعی تخریب ذهنیت سیاسی و تخریب فضای عمومی را نیز رقم می‌زند که مهم است. نمونه دیگر درباره طالبان است. طرفین بیش از آنکه بر مواضع واقعی یکدیگر انگشت بگذارند، ذهن‌خوانی می‌کنند. مثلاً می‌گویند که اصلاح‌طلبان خواهان دخالت نظامی به نفع پنجشیر هستند!! در حالی که معلوم نیست چه کسی چنین حرف بی‌ربطی را زده است. بعد هم روی این گزاره غلط و غیرواقعی ایده‌پردازی می‌کنند که يك تيپ یا گردان از آنان تشکیل دهند، بروند پنجشیر! گویی که خودشان خط مقدم جاهایی بوده‌اند که دخالت نظامی کرده‌اند! یکی نیست از آنان بپرسد که وزن شما در جنگ و انقلاب يك پنجم اصلاح‌طلبان هم نمی‌شود، ولی این ارجاع دادن وقت و بی‌وقت به این سوابق و آن را تبدیل به عاملی برای کاسبی کردن جزو خصلت‌های گروه‌های دارای شخصیت و اعتبار نیست. آنان نمی‌دانند یا میدانند و اشاره نمی‌کنند که بخش مهمی از بدبینی‌های موجود نسبت به گذشته و انقلاب و جنگ و دین محصول تبدیل شدن ارزش‌ها به مادیات و امتیازات است. برای ورود به دانشگاه یا کسب پست و مقام، یا هر چیز دیگری به این سوابق ارجاع داده می‌شود. در حالی که می‌دانیم این نوع تبعیضها مخالف فرهنگ شیعی است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پیش از امام علی(ع) منطق بهره‌مندی و سهم افراد از بیت‌المال بر اساس امتیازبندی بود که برای افراد حضور در جنگ‌ها و مهاجرت و نزدیکی و دوری به پیامبر(ص) متفاوت بود، ولی با آمدن امام علی(ع) این تبعیضها برداشته شد. چنین تمایزگذاری‌ها در حقیقت ارزش‌دایی از سابقه‌های ارزشمند آنان است. نکته جالب اینکه به رخ کشیدن این افتخارات و تبدیل آنها به امتیازات مادی و قدرت، بیشتر از طرف کسانی است که خودشان یا در آن نبوده‌اند، یا خیلی صوری و ظاهری شرکت داشته‌اند. در هر صورت اصلاح و تغییر این‌گونه رویکردها برای بهتر شدن فضای سیاسی ضروری است.